

## بررسی سبک شناختی شعر فیروزکوهی بر طبق دو سطح صرفی و معنایی

مربی دانشگاه: جاسم مجید رشید  
 استاد دکتر: نهلة داود سلمان  
 دانشکده ی زبان فارسی- دانشگاه بغداد  
 دانشکده ی زبان فارسی- دانشگاه بغداد

کلیدواژه ها: مفهوم سبک شناختی، بررسی صرفی واژه هادر اشعار فیروز کوهی، مفهوم معنایی اشعار فیروز کوهی ، علم بدیع و بیان .

## چکیده ی فارسی :

در این بررسی، سعی برای شناسایی و توضیح سبک شناسی اشعار «فیروزکوهی» بر اساس ترکیبات اشتقاقی است که به نوعی جنبه ای نوآوری دارد . منظور از سبک، راه و روش خاصی که بوسیله آن ، آنچه در ذهن و تفکر است، به روش ترکیبات کلمات و انتخاب بعضی الفاظ مناسب، سبک را به یک اثر ادبی با یک نگرش خاص القاء کند. در این میان، فیروزکوهی ، شاعر بلند آوازه ی ایرانی، از جمله شاعرانی است که در این مسیر پیش از بوده و توانسته است توانایی خود را بصورتی زیبا به تصویر کشیده و کلام خویش را ماندگار بگرداند. از این رو، پژوهشگران در این پژوهش، تلاش کرده اند واژه های «مشتق» و «مشتق-مرکب» موجود در دیوان ایشان را که بوسیله ی تکواژهای اشتقاقی پدید آمده اند، بررسی کنند. علاوه بر این، واژه های یاد شده، از لحاظ علم بیان و معانی (مجاز، استعاره، کنایه، تشبیه) مورد بررسی قرار گرفته و به شرح و تفسیر برخی ابیات شعری فیروزکوهی که واژه های مشتق و مشتق مرکب در آن ها وجود دارد پرداخته شده اند . این بررسی با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی برای واژه های صرفی و معنایی آنها در ابیات مورد مطالعه و بیان معنای مورد مطالعه ی تحلیلی نیاز دارد ، انجام شد .

مقدمه :

درباره ی چیستی «واژه» نیز سخن های زیادی گفته شده است و هرکسی در حد توان خود تلاش کرده تا تعریفی جامع از آن ارائه بدهد، اما نمی توان از وجود ابهام در تعریف آن چشم پوشی کرد. با همه ی این ها می توان سبک واژه ها ی صرفی و معنایی را در میان جمله براحی تشخیص داد، زیرا یک جمله با پیوند خوردن تعدادی از واژه ها و کنار هم قرار گرفتن آن ها ساخته می شود. این واژه ها می توانند به واحدهای کوچکتر معنی دار و بی معنی تقسیم

شوند که آن واحد کوچکتر را «تکواژ» می‌نامیم. این تکواژ اگر معنی داشته باشد، «تکواژ قاموسی» و اگر بی‌معنی باشد، «تکواژ وابسته» (اشتقاقی و تصریفی) است. در مقابل این تکواژها همانگونه که گفتیم تکواژهای وابسته قرار دارند و به تنهایی بکار گرفته نمی‌شوند، زیرا معانی مستقلی ندارند و بعنوان وندها شناخته می‌شوند. این وندها را به دو نوع وندهای تصریفی و اشتقاقی تقسیم می‌کنند. وندهایی که به همراه پایه‌ی واژگانی فعلی یا غیرفعلی بکار رفته و واژه‌های جدیدی را خلق کرده و حالت دستوری آنها را تغییر بدهند، وندهای اشتقاقی نامیده می‌شوند؛ مانند: پیشوند «هم-» در واژه‌های «همسر، همسفر» و پسوند «ش» در واژه‌های «دانش، روش»؛ اما وندهایی که به پایه‌ی واژه متصل شده و واژه‌ی جدیدی ساخته و تنها نقش دستوری دارند، «وندهای تصریفی» نامیده می‌شوند؛ مانند: پسوند «-ها» در «کتاب‌ها» یا پیشوند «می» در «می‌رود». در میان نوشته‌های ما جای گرفته، صحبت‌هایی درباره‌ی «علم بیان و معانی» است. می‌دانیم که عرصه‌ی ادبیات، عرصه‌ی رمزآلود سخن گفتن است و ادیب توانمند کسی است که علاوه بر توانایی در شناختن قواعد و دستور زبان بتواند مفاهیم مقصود نظر خود را در قالب‌هایی از صور خیال بیان کند. سُراینندگان و شاعران، از این قاعده مستثنا نیستند و عیان است که زبان شعر لاجرم باید با مباحث علم بیان و معانی آمیخته باشد تا بتواند ذهن و دل مخاطب را با خود همراه سازد. در میان شاعران، «فیروز کوهی» یکی از شاعران توانمندی است که از فنون این علم بهره‌ی بسیار برده و همانگونه که در بررسی اشعارش مشاهده می‌شود، صور خیال یعنی مجاز و زیرمجموعه‌های آن مانند: استعاره و تشبیه و کنایه و...؛ جایگاه خاصی را دارا هستند.

#### روش تحقیق

این تحقیق به دوروش کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است، با این توضیح که پژوهنده برای جمع‌آوری داده‌های خود، به کتابخانه‌ی دانشگاه و همچنین کتابخانه‌های الکترونیکی موجود در سایت‌های اینترنتی رجوع کرده و مطالب مورد نیاز را فراهم آورده و سپس با نکته‌ها و مطالعات زیادی آن‌ها را دسته‌بندی کرده و نوشته است. پژوهنده در این تحقیق بدان پرداخته، توضیح و تفسیر واژه‌های انتخاب‌شده از لحاظ مورفولوژی و علم بیان و معانی می‌باشد، زیرا که جایگاه و اهمیت ویژه‌ی در ادبیات و خصوصاً در شعر دارد.

## بیان مسأله

با توجه به عنوان بررسی برمی آید که پژوهنده این تحقیق را از دو جهت مورد بررسی قرار داده است:

- ساختمان واژه‌های مشتق و مشتق - مرکب از لحاظ صرفی مورد مطالعه قرار گرفته است .  
- جهت دیگر این بررسی ، مطالعه ی واژه‌های یادشده از لحاظ علم بیان و معانی است، از این جهت که آیا آن واژه حقیقی است یا مجاز یا استعاره یا تشبیه یا کنایه؟ و در پی این بررسی‌ها به نمونه‌هایی از اشعار فیروزکوهی پرداخته و آن‌ها را معنی کرده و به شرح و تفسیر ابیات روی آورده‌ایم.

## هدف تحقیق

بطور کلی می‌توان چند هدف را برای این پژوهش در نظر گرفت: به دست آوردن شناختی بهتر و دقیق‌تر از واژه‌های صرفی و معنایی در زبان و ادبیات فارسی و همچنین تحلیل و تفسیر آن‌ها در اشعار فیروزکوهی است.

## پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی واژه‌ی مشتق و مشتق- مرکب کتاب‌های زیادی از جمله «ساخت واژه در دیوان حافظ» از «ساناز صادقی سوره» (1398) و نیز «مفهوم عامل در واژه‌های مشتق زبان فارسی» از عادل رفیعی (1391) و «تکواژهای اشتقاقی در غزل‌های امیر حسن سنجزی دهلوی» از محمود شیخ (1395) و همچنین پژوهش اقتباس صورت و معنا در سرودهای امیری فیروز کوهی از علی تقوی و پژوهش (بررسی و تحلیل صرفی واژه‌های مشتق در مثنوی‌های روین اعتصامی) از رسول جمعه و بررسی سبک شناختی رمان (سمفونی مردگان) عباس معروفی، بر مبنای ترکیبات اشتقاقی از احمد ضیاء خلیل جبوریاز آثار ارزشمند می‌باشند.

## - زندگینامه ی امیری فیروزکوهی :

سید کریم امیری فیروزکوهی، فرزند سید مصطفی قلی منتظم الدوله از سادات فیروزکوه بود، در شهر فرح آباد فیروزکوه به نیا آمد بسال (1288.1298) شمسی متولد شده است، پدرش از اعیان اروپا رفته در عهد مظفری و به تمدن جدید آشنا شد و علاوه بر این ، جد او امیر محمد حسین خان سردار از جمله فاتحان هرات و بنای دبستان خیریه ایتام در تهران بود. امیری فیروزکوهی تحصیلات اولیه در تهران گرفته و بعد تحصیل شعر روی آورد، تحصیلات زبان عربی از نواحی «ادبیات، منطق، کلام، حکمت، فقه و اصول» به دستش یاد و بر کتابهای

متعدد فلسفی، کلامی و ادبی حاشیه نوشته است وی به زبان عربی و فارسی شعر نظم آورد و در سرودن غزل تبحر داشت. او در اشکال شعری از غزل، قصیده، مثنوی، ترکیب بند و دو بیتی‌های به هم پیوسته و غیره طبع آزمایی کرده و به درایت و فکر اهل علم و فن و نقد در نهایت استادی و استواری از عهده ب آمده است. وی غزل را به شیوه هندی یا منظور او دیگر به سبک اصفهانی می سروده است و این سبک از همه بیشتر به صایب تبریزی ارادت می ورزید، بیشترین قصیده هایی خویش به سبک خراسانی نظم آورده و قصاید خویش انجام داد و کلمات عالی میانها نوشته شده است.

میان برجستین آثار امیری فیروزکوهی «دیوان اشعار دو مجلد، ترجمه مکاتیب نهج البلاغه، ترجمه نفس المهموم حاج شیخ عباس محدث قمی، تصحیح و مقدمه بردیوان صایب تبریزی، منظومه عفاف نامه در لزوم حجاب، احقاق الحق در حمایت از شعرای صفوی و دفاع از سبک هندی» می توان اشاره کرد.

امیری بدون تردید از برجستین شاعران سنت گرای معاصر است که به ویژه در سرودن شعر به سبک هندی یا اصفهانی و خراسانی شاخص بود. توانمندی هنرمندانه امیری در سرودن قصاید فخیم به شیوه انوری و خاقانی نیز زبانزد است. وی در 75 سالگی در تهران گذشت و در حرم حضرت عبد العظیم حسنی به خاک سپرده شد.

سبک از نظر زبان :

سبک يك نوع اندیشه یا تفکری که شاعر یا نویسنده برای رساندن آنچه در ذهن است به کار می برد. ( شعرای عرب واژه « سبک » را مصدر ثلاثی مجرد عربی می دانند که به معنی گداختن ، ریختن و قالبگیری کردن زرونقره است و نیز در قدیم به آن «سبیکه» می گفتند که مقصود پاره زر و نقره گداخته و قالب گیری شده که مشتق از آن است) ( غلامرضایی ، 1387 : 15-16 ) ( Gholamrezaei:15-16)

از نظر « بهار » «سبک تحقق ادبی، یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش را مشخص می سازد» که یکی از بهترین تعاریف سبک است (ر.ک: 1364 ، 25-27) . باید نیز توجه کرد که سبک با نوع تفاوت دارد، زیرا نوع عبارت است از شکل ادبی که گوینده یا نویسنده به اثر خود می دهد. مثلاً در ادبیات اروپا گفته می شود، انواع درام، انواع کمدی، و منظور شکل ظاهری یک اثر است. اما در سبک از طبع عمومی اثر شاعر یا نویسنده از لحاظ موضوع و انعکاسات محیط پیرامون او در آن بحث می شود بنابراین ،

سبک هم فکر و هم جنبه ممتاز آن و هم طرزتعبیر را در برمی گیرد. در صورتی که نوع فقط طرز انشا را بیان می کند. با این وجود باید دانست که هیچ گاه سبک و نوع از هم بی نیاز نیستند. بلکه مکمل یکدیگرند، زیرا هراثر ادبی جزء از انواع ادبی به شمار می رود و در همان حال نیز سبکی دارد. مثلاً « گلستان سعدی» و «مقامات حمیدی» در نوع مقاله نگاری با هم مشترک هستند ولی سبک متفاوتی دارند (ر.ک. بهار: 1381، 16-17-1381: Bahar: 17). به عبارت دیگر می توان گفت که سبک وحدتی است که در تالیفات کسی دیده می شود.

#### سبک از نظر اصطلاح:

اصطلاح « سبک» مربوط به واژه و طرز سخن و ادای معانی و محتوا است که ذهن گوینده یا نویسنده را به تحریک در آورد و لباس لفظ و جمله بدان در بر کند. همچنان که میدانید سبک سعدی با سبک فردوسی متفاوت است و هر کدام آنها شیوه ای خاصی را در سبک مد نظر دارند ولی به این گونه نیست که این تفاوت در اشعار آنها پدیدار است؛ ولیکن منظور، آن نوع روش و راهی است که این شاعران برای بیان افکار و اندیشه های خود انتخاب کرده اند، با توجه به این توضیح و قبول کردن آن و همچنین جلوه خاصی سبک، ناچار باید اقرار کرد به اینکه سبک هیچگاه بدون بهره بردن از لفظ و معنی وجود ندارد (ر.ک. محجوب: 1363، 29-41) (Mahjued:1363,39-41). از نظر جمال میرصادقی (سبک تدبیر و تمهیدی است که نویسنده در نوشتن بکار میگیرد، بطریقی که بسرعت، فردیت نویسنده و فکرونیت او را بیان میکند). (میرصادقی: 1367، 355) (mir Sadegi:255)

میرصادقی موارد پایین را در احداث سبک موثر میدانند:

الف) انتخاب کلمه

ب) ساختمان دستوری

ج) زبان مجازی

مفهوم صرف:

صرف عبارت است از هر الگوی صرفی که سبب تلفیق دو شاخه خواهر به یک سازه واحد می شود. وندا فزایی، ترکیب، ساخت کوتاه سازی و نیز فرایند تکرار، هریک ساخت صرفی خاص هستند. رویکرد ساخت محور به صرف اجازه استفاده از رویکردی واحد به دامنه گسترده ای از انواع ساخت های صرفی را می دهد. (سلندری و همکاران، 1394: 6-9)

(9-6: Slender and the others ) ومی بینیم که ساخت واژه ، بخشی از صرف که واحد بسیط این تحلیل واژک است . در ساخت واژه دولایه تصریفی و اشتقاقی وجود دارد . بنا براین صرف که به هر دو این لایه ها توجه دارد به دو قسمت صرف تصریفی و صرفی اشتقاقی تقسیم می گردد. می بینیم که در صرف تصریفی به بخشی از واژه پرداخته می شود که به طور مستقیم با نقش نحوی آن سروکار دارد . در این قسمت کوشش می شود ، مجموعه تغییرات ساخت واژه ، به سبب نقش آن در جمله ، مورد مطالعه قرار گیرد . به عنوان مثال « زنان » از دو قسمت « زن » و نشانه جمع « ان » و « می خورم » از سه جزء « می » ، « خور » ، « -م » تشکیل شده است که به نقش نحوی این واژه ها مربوط اند . تکواژهای مورد مطالعه در صرف تصریفی را تکواژ تصریفی می نامند . ( ر.ک . صادقی سوره ، 1398 : 6 ) (SadegHy Soreh:1398,6)

در صرف اشتقاقی به آن بخش از ساخت واژه توجه می شود که به خود واژه ، فارغ از نقش نحوی آن ، تعلق دارد و در واقع ساختی است که از طریق آن خود کلمه به دست می آید . به طور مثال هرگاه گفته شود که « نمک دان » از « نمک » و « دان » یا « داروخانه » از « دارو » و « خانه » ساخته شده است ، بررسی اشتقاقی صورت گرفته است . تکواژهای مورد بررسی در صرف اشتقاقی را تکواژ اشتقاقی می نامند. این تکواژها نقش واژه سازی دارند . صرف این واژه های اشتقاقی را صرف قاموسی یا واژه سازی نیز نامیده اند . ( ر.ک . کلباسی ، 1391 : 20-19 ) (KlabaSy:1391,19-20)

تکواژ : کوچک ترین واحد معنی دار یا نقش دار زبان است که در سلسله مراتب واحدهای دستوری زبان در ساختمان واژه به کار می رود . ( ر.ک . همان : 19 ) (same source):19)

اما مفهوم واژه از نظر صرف و معنایی

- واژه از نظر ساخت صرفی: از یک یا چند واژه تشکیل شده و در سلسله مراتب واحدهای دستوری زبان در ساختمان «گروه» به کار می رود .

- واژه از نظر معنایی: عبارت است از یک واحد معنایی که بریک یا چند مفهوم منفرد دلالت دارد . ( همان منبع : 20-21 ) (same source:20-21)

در این بررسی می بینیم که اغلب ترکیبات واژه ساخت موجود در دیوان امیری فیروز کوهی برپایه ی اصل برجسته سازی ساخته و پرداخته شده اند. لغات و ترکیبات غیر منتظره و غریب

باعث وقفه میشوند ، لذا توجه مخاطب را جلب میکند . برجسته سازی صرفاً از راه قاعده افزایی صورت میگیرد . بعبارت ساده تر و بطور خلاصه یعنی آفرینش کلمات و ترکیبات متنوع در ساختاری نو بدیع و همچنین معنای تازه ای که به زبان هنجار و عادی افزود میشود مانند : فیروزکوهی در قصیده ی پیری چنین میگوید :

برزخی از عالم موت و حیات ماست پیری

زان نماند از جهان در پیرنه رغبت نه سیری

مدخل مرگ است پیری ، شارع عقباست دنیا

جست و خیزی نازادی خورد و خوابی ناگزیری

در تماشاخانه گیتی به هر رنگی برآمد

نفس ما گاهی به طبع خودش و گاه از خویندیری

نه جوانی بود ما را ونه پیری ، کزد و فاعل

داشتیم احوال محکومی به افعال از اسیری ( فیروز :

1389 ، 179 ) (Firuz:1389,179)

- *نگاهی عمومی به انواع صرف در قصاید فیروزکوهی*

صرف و نندار : از ویژگیهای زبان فارسی وجود وندهای فراوان در آنست که پویندگان به فراخور مقام و بنا باقتضا می تواند از آنها برای بیان خواسته ی خود استفاده کنند « وندها » به دو دسته تقسیم می شوند وندهای تصریفی وندهای اشتقاقی . شاعران و نویسندگان فارسی زبان از این امکان زایای زبان فارسی بهره برده اند و در این راستا واژه و ترکیبات فراوان ساخته اند . فرشید ورد وندها را چنین معرفی کنید : « سازه مقید یا وابسته یا نامستقل که بتنهایی بکار نرود و یا سازه ها یا کلمات دیگری همراه باشد و با آنها کلمه تازه ای بوجود آورد . ( فرشید ورد ، 1386 : 88 ) (farshid vard:1386,88) فیروزکوهی نیز با استفاده از این قاعده ی زبانی واژه های مشتق و ترکیبات اشتقاقی فراوانی آفریده است .

1- مفهوم وند تصریفی و کاربرد آن در اشعار فیروزکوهی

وند تصریفی در مقایسه با وند اشتقاقی فراگیری بیشتر و استثناهای کمتری را میپذیرد. مثلاً وندهای تصریفی «-تر» و «-ترین» تقریباً به همه صفات ها اضافه می شوند و صفت تفضیلی و عالی می سازند، مانند: بزرگتر، بزرگترین، ماهرتر، ماهرترین و مثالی در اشعار فیروزی کوهی ( آن بَرَد دعوی که از اقران زبان آورتر است ( 175).) وند تصریفی به وندهایی اطلاق می

شود که هنگام افزوده شدن به پایه هیچ تغییری در مقوله پایه ایجاد نمی کنند؛ مانند اسم + وند تصریفی: کفش ها : این واژه از دو تکواژ تشکیل شده است : کفش - اسم - تکواژ - آزاد - واژگانی + «ها» جمع - تکواژ - وابسته - تصریفی برای جمع غیر عاقل و در اینجا می بینیم که تکواژ تصریفی به ما معنای جدید نداد ، بلکه واژه کفش را از مفرد به جمع تبدیل کرد .

مانند: (آن ها که قصه ها شنیدی اکنون بنگر که باور افتاد . ( فیروز کوهی : 195 ) (Firuz kouhy: 195) ، قصه ها : این واژه از دو تکواژ تشکیل شده است : قصه - تکواژ - آزاد - واژگانی + ها جمع - تکواژ - وابسته - تصریفی این واژه را از مفرد به جمع تبدیل کرد

و مانند : گر چه شوری وسنا داریم چون آزادگان لیک نه شوری به شوری نه سنایی در سنا ست . ( فیروز کوهی : 16 ) آزادگان : این واژه از چهار تکواژ تشکیل شده است آزاد + ه + گ ( تکواژ میانجی برای فک دوتا مصوت ) + ان ( نشانه جمع برای جانوران ) می بینیم تصریف این واژه را مفرد به جمع تبدیل کرد

شعراء و نویسندگان فارسی زبان از این توانایی ابتکار آمیز زبان فارسی سود برده اند و در این زمینه واژه ها و ترکیبات فراوان ساخته اند. خسرو فرشیدورد و ندها را اینگونه معرفی میکند (سازه مقید یا وابسته یا نامستقل که به خودی خود به استفاده نرود و یا ساختارها یا کلمات دیگری همقدم باشد و با آنها کلمه جدیدی بوجود آورد) (1387: 88). و ندها به صورت لایه ای به واژه هایی که از قبل در زبان وجود دارند، افزوده می شوند. ( با اهمیت ترین شکل اختلاف وندهای تصریفی از وندهای اشتقاقی، این است که وند های تصریفی کلمه ای تازه ای را احداث نمیکنند، بلکه به صورت مختلف یک واژه جداسازی را می نمایانند، در حالی که وندهای اشتقاقی در ساختمان واژه جدید به کار می روند. برای مثال «ها» نشانه جمع یک وند تصریفی است چنانکه در بیت زیر است

جست وجوها را امیدی از قریب آرزوها را مجالی از خیال ( فیروز کوهی ، 1389: 99 )  
(Firuz kouhy:1389,99):

می بینیم که این دو کلمه در بیت بالا از ستاک اصلی و نشانه ی جمع تشکیل شده است و منظور از ستاک همان است که پیش از اضافه کردن وند تصریفی ( نشانه ی جمع ) آمده است ( ر.ک. فرشید ورد ، 1392: 14 ) ( farshid vard:1392,14 ) یعنی:

جست وجو ( ستاک اصلی ) + ها تکواژ تصریفی ( نشانه ی جمع ) = جست وجوها  
 آرزو ( ستاک اصلی ) + ها تکواژ تصریفی ( نشانه ی جمع ) = آرزوها  
 برای مثال ( ان ) نشانه جمع ، یک تکواژ تصریفی است چنانکه در بیت زیر است  
 عذاب مرگ رفیقان وهجر هم نفسان

بدان مشقت و سختی یک از هزارش نیست ( فیروز کوهی ، 269 : 1389 )  
 (Firuz kouhy:1389,269)

رفیق ( ستاک اصلی ) + ( ان ) تکواژ تصریفی نشانه جمع فارسی = رفیقان  
 نفس ( ستاک اصلی ) + ( ان ) تکواژ تصریفی نشانه جمع فارسی + نفسان  
 ( م ، ی ، بدون شناسه در مفرد شخص سوم یعنی ( غایب ) ، هم در حالت حال شناسه \_ د  
 برای مفرد شخص سوم ( غایب ) ، یم ، ید ، ند ) یک وند تصریفی است هم ( یای نکره )  
 مانند در بیتهای زیر است

گفتم: این جمله یک زمان خواهیم نه به صبر و درنگ ، بل به شتاب  
 گفت: کای رکن فسق و کعبه کفر ای سؤال از تو شرمسار جواب  
 فتنه ای چون تو خفته اولی تر

همچنان تا ابد بخواب بخواب ( فیروز کوهی : 226 ) (Firuz

kouhy:226)

( گفتم ) در بیت بالا از ستاک فعل گذشته + ( -م شناسه ی پیوسته در حالت فاعلی )  
 یک تکواژ تصریفی تشکیل شده است یعنی این تکواژ تصریفی تغییر معنای واژه نمی دهد  
 اما دارای رابطه ی نحوی در درون جمله است . یعنی هر فعل برای آنکه بر زمانها  
 و اشخاص مختلف دلالت کند. و صورت های گوناگون می پردازد ، و صیغه یا ساخت فعل  
 صورتی از کلمه است که از روی آن می توان شخص و زمان فعل را دریافت. مانند : در بیت  
 های بالا: خواهیم ( خواه - بن حال + ( -م - شناسه ی مفرد شخص اول ) ، گفت ( گفت  
 ( بن گذشته + تکواژ صفر یا تهی برای مفرد شخص سوم در فعل گذشته بدون شناسه ،  
 بخواب ( بن امر + بدون شناسه برای مفرد شخص دوم « مخاطب » ) می بینیم که فعل در  
 زبان فارسی دارای سه زمان است که عبارت اند از: ماضی ، مضارع و مستقبل « آینده »  
 همچنین ، هر فعل می تواند در سه وجه اخباری ، التزامی و امری ، و دو نمود ساده و مستمر به  
 کار رود .

واژه ی (فتنه ای) فتنه (ستاک اصلی اسم + ای (نشانه ی نکره) یک تکواژ تصریفی تشکیل شده است. ونیز ضمیر متصل در حالت اضافه یا مفعولی یعنی (مَ - مَ ، - تَ ، - شَ ، - مانَ ، - تانَ ، - شانَ) به معنی یک تکواژ تصریفی باشد. چنانکه آنرا در بیت زیر می بینیم.

دانید که نوداغ سیه خانه مرگم شمعی به من از داغ کهن بازرسانید. (فیروز کوهی: 82)  
(Firuz kouhy:82)

مرگم : مرگم ( اسم ستاک اصلی) + (مَ - مَ) وند تصریفی (یک تکواژ تصریفی) تشکیل شده است.

لذا می بینیم که وند تصریفی، تنها نقش دستوری دارد و هیچ وقت باعث ساختن واژه جدید نمی شود، ولی فقط گونه ای متفاوتی از همان واژه پایه را تولید می کند. وندهای تصریفی فقط شکل و ظاهر یک کلمه را عوض می کند به گونه ای که آن واژه در یک مکان نحوی خاص قرار گیرد. از این وندها، هیچوقت واژه جدیدی حاصل نمی شود. (ر.ک. شقاقی: 1387، 71-72) (۲- ۷۱)

-وند های اشتقاقی به وند های گفته می شود که بعد از اضافه شدن به پایه مقوله پایه را تغییر می دهند. مانند: اسم + وند اشتقاقی: صفت = قهوه + ی + ی : قهوه پی. یا اسم + پسوند اشتقاقی «مند» = صفت فاعلی یا بن حال + پسوند «ا» = صفت مشبیه با اسم فاعل مانند:

زرومی روی ترکی فحل ودانا به دانش در همه کاری توانا (فیروز کوهی: 8) (Firuz kouhy:8)

نجستم علاج از مسیحا که جویم زهر اجدم از دردمندی دواپی (فیروز: 8) (Firuz kouhy:8)

دانا و توانا: این دو واژه ی مشتق از بن حال + پسوند اشتقاقی «ا» تشکیل شده است ومعنی این دو واژه ی مشتق صفت مشبیه با اسم فاعل یعنی کسی که از عهدۀ انجام کار برآید ومعنی این دو واژه عالم وقادر و مقتدر است.

دردمندی: این واژه ی مشتق از سه تکواژ تشکیل شده است یعنی (درد) (مند) ستاک اسم + پسوند اشتقاقی صفت فاعلی + (ی) پسوندی اشتقاقی اسم مصدر ومعنای آن درد وانده والم است.

پیشوند و پسوند از شایع ترین انواع وندها در زبان ها هستند. پیشوند به ابتدای ریشه یا ستاک یا پایه اضافه می شود؛ مانند «بی» در «بی شرف». پسوند به انتهای ریشه، ستاک یا پایه می چسبد؛ مانند «ناک» در «وحشتناک» (بائر ، ۱۹۸۳ : ۱۸ و کاتامبا، ۱۹۹۳ : ۲۴).  
(Bauer:1983,18 and katamba:1993,24)

- وند اشتقاقی (بی) به معنی پیشوند نفی می آید چنانکه در بیت زیر آمده است .  
آن را که نیک نفس شمردیم و بی زبان  
(فیروزکوهی : 276)(276) Firuz kouhy  
هر کجا رذلی خبیثی سفله ای بی آبروی  
هرولایت را ولی ، هرروستا را کد خدا است )  
همان : 16) (same source:16)  
بی آبروی : واژه ی مشتق از سه تکواژ تشکیل شده است یعنی (بی) + آب (اسم) + روی  
(اسم) صفت فاعلی ومی می بینیم این واژه ی مشتق ویژگی برای کسی که حیا و خجل  
ندارد .

ی زیان : بی (پیشوند نفی) تکواژ وابسته اشتقاقی + ستاک اسم اصلی = یک واژه ضد  
واژه ی زیان (سود) می دهیم ومعنی این واژه ی مشتق بی ضرریا بی اذیت یا بی کزند است .  
واژه مشتق که از افزودن وند به پایه ساخته می شود . پایه می تواند ساده باشد یا مرکب  
یا مشتق . بنا براین واژه ی مشتق بر سه گونه است :

یک - وند با پایه ساده . مانند (همدل ، بی کار ، کارگر ، رنجور) . مانند :  
دجال فتنه اوست که بی عیب پارگی  
یک شب به سر نهی برد از شام تا سحر .  
(فیروزکوهی : 326) (326) Firuz kouhy  
گرما می بود آزاری چنین ، رنجی چنان  
بی محابا جُستمی درمان خویش از انتحار .  
(همان : 320) (same source:320)

بی عیب : واژه ی مشتق از یک تکواژ پیشوند منفی + ستاک اصلی اسم تکواژ واژگانی تشکیل  
شده است ومعنای آن در بیت بالا سالم و درست آمده است .  
بی محابا : : واژه ی مشتق از یک تکواژ پیشوند منفی + ستاک اصلی اسم تکواژ واژگانی  
تشکیل شده است ومعنای آن در بیت بالا بی تکلف و بی ادب آمده است .  
وند اشتقاقی (نا) پیشوند اشتقاقی نفی مانند :  
نا بسامانی این ملک از اندازه گذشت نگذرد کاری الا که نا سامانی

بانگ اصلاح زهر مفسد مغرض شنوی خط ارشاد زهرگمره نادان خوانی . ( فیروز کوهی : 405 ) ( Firuz kouhy:405)

لاجرم با مرهم تسلیم و داروی قبول

شد از آن نکبت فزون تر هم ، به زبانش سازگار . ( فیروز

کوهی : 320 ) ( Firuz kouhy:320)

سازگار: واژه ی مشتق از ستاک اصلی بن فعل حال ( ساز ) + یک تکواژ پسوند ( گار- به معنای صفت فاعلی ) تشکیل شده است و معنای آن در بیت بالا موافق و قبول کننده آمده است .

( - ش ) تکواژ وابسته اشتقاقی : این پسوند یک تکواژ وابسته اشتقاقی است وقتی به ستاک بن حال فعل می پیوندد اسم مصدر می دهد چنانکه در بیت زیر آمده است :

نه فلک را که جهان چرخشی از گردش او است هم زگردی است که این جنبش و گردش شاید . ( فیروز کوهی : 313 ) ( Firuz kouhy:313)

دو- وند با پایه ی مرکب . مانند ( درستکاری « درستکار+ ی ) ، ناشام کام ، رودخانه ای گاه با لبخند یادی از زمان عافیت

هر دو تن بودند با هم بهر درمان رهسپار

آدمی این است وطبع خو پذیر او چنین

زینهار از « من چنین من چنان » زینهار ( همان : 320 ) same

(source: 320)

لبخند : این واژه ی مرکب از دو واژه تشکیل شده است یک ستاک اسم ( لب ) و دیگری ستاک بن حال فعل ( خند - از خندیدن ) و معنای این واژه ی مرکب اسم مرکب به معنی لبخنده و تبسم است

رهسپار: این واژه ی مرکب از دو واژه تشکیل شده است یک ستاک اسم ( ره ) و دیگری ستاک بن حال فعل ( سپار از مصدر سپردن . و معنای این در بیت بالا واژه صفت فاعلی مرکب است و به معنی راه سپار ( عابرسبیل ) آمده است .

طبع خو: این واژه از دو اسم ترکیب می شوند یک ستاک اسم ( طبع ) و دیگری ستاک اسم ( خو ) . و معنای آن در بیت بالا گینت و جبلت و فطرت است .

بررسی سطح معنایی در نمونه هایی از اشعار امیری فیروز کوهی :

باتوجه به روحیه حساس و نکته سنج امیری واحاطه ژرف او بر زبان و ادب فارسی و عربی ، تنوع مضامین شعری در سروده‌های او بسیار است . البته از دیدگاه او شاعر الزاما در تمام سروده‌های خود تصویرگر روحیت و سجایای اخلاقی و فعل و کردار خود نسبت ؛ بلکه در بسیاری از موارد ، او به نیروی تخیل خلاق و قوی خود ، همچون نقاشی به تصویرگری دنیای عین و مفاهیم انتزاعی می پردازد . شاعر در مقام نقاشی احوال و اوضاع و شرح تضاد و تناقض ، شخصیت خویش و احوال شخصی را به حساب نمی آورد و در این حالت نسبت بین او و ساخته او ، نسبت بین نقاش و پرده‌های نقاشی او ست و شاعر در این مرتبه و مقام باسروده خویش فقط ربط صانع و مصنوع و خالق و مخلوق دارد و نسبت های دیگر در نظر نیست . البته این مفهوم نفی کلی از این حقیقت نمی کند که شاعر زبان احوال و عواطف شخصی خود نیز می باشد ، بلکه نافی انحصار و کلیت آن است . بنا براین ، شاعر نقاش عواطف و احساسات ، معقولات و مدرکات و تخیلات و تصورات است ، اعم از اینکه خود وی آنها را که صور خاجی دارند دیده و یاندر دیده باشد و یا احوالی را که وصف می کند مبتلا شخص او باشد یا ناشد . ( فیروزکوهی ، 1357 : 104-105 ) ( Firuz kouhy:1357,104-105 )

( تقوی ، 1399 : 8 ) ( Taghoy:1399,8 ) می گوید عمدترین مضمون در دیوان امیری به ویژه در شکل غزل ، در بیان حالات و جلوه های گوناگون عشق است ، خواه این عشق زمینی باشد و خواه در هاله هایی از اندیشه های عرفانی به سبک و سیاق شاعران سبک های عراقی و هندی فرورود . شاعر افزون بر این د ، گاه بر حسب ارادتی که به پیامبر اکرم ( ص ) وائمه اطهار ( ع ) دارد به شعر آیینی روی آورده و گاه نیز در نقد زمانه و مردمش شکواییه هایی سروده است . البته او به نقد و شکوه بسنده نکرده و پاره ای از سروده هایش را به حکمت ارزش های انسانی اختصاص داده است .

مضامین اقتباس در اشعار امیری فیروزکوهی :

اقتباس و باز آفرینی معانی و مضامین متون مختلف ، همواره از سده های گذشته تاکنون نزد آفرینشگران متون ادبی امری ساری و جاری بوده است . می بینیم امیری در گسترده شعری معاصر ، شاعر سنت گرای صاحب سبک با زبان و بیان خاص خود است که با طبع لطیف و نکته سنج خود و با احاطه و اشراف خوبی که بر زبان و ادب فارسی و عربی داشت ، توانست معانی و مضامین شعری متنوعی را در سروده های خود بیافریند و عرضه نماید . با وجود این ، او در پرداخت مضامین و معانی شعری ، از متون دیگر نیز تأثیر پذیرفته و در اغلب موارد به طرز

هنرمنداته ای در سروده هایش مندرج ساخته است. امیری در بخشی از مضمون پرداز هایش متأثر از قرآن کریم و احادیث شریف است و در بخشی دیگر، از متون ادبی منظوم و منثور دیگر شاعران و نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی، به ویژه شاعران معروف سده های پنجم تا یازدهم هجری همچون: خاقانی، سعدی، مولوی و صائب، تأثیر پذیرفته است. مثلاً: امیری در این بیت زیر می گوید:

ندای ارجعی از موطن الهی خویش به گوش هوش شنیدند و بر اثر رفتند. ( فیروز کوهی، 1389، 2/293) (Firuz kouhy:1389,2/293)

در سروده هایش برای پرورش معنی، گاه بخشی از آیه یا حدیث را تضمین کرده و گاه تلمیح و اشارتی به آنها دارد. او در قطعه « مرگ یاران »، در اندوه و تحسّر از مرگ یاران و دوستان، ضمن تنبّه خود از درپیش بودن ناگزیر، با تضمین آیه ی 28 از سوره ی فجر، یعنی « ارجعی؛ لئ رتک راضیة مراضیة »، این گونه تسلی خاطر می دهد.

و نیز می گوید: گاهی شده برابر با خواب زندگی گاهی شده برادر با مرگ جان گزای ( فیروز: 191/3) (Firuz kouhy:3/191)

امیری در بیت بالا مانند بسیاری از دیگر شاعران ایرانی، در سروده های خود به احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) اشاراتی داشته است؛ و معنی این بیت مستند به حدیث « النوم اخو الموت »، خواب را به مرگ مانند ساخته است.

و نیز امیری از شاعر معروف بابا طاهر عریان در منظومه ی « آهنگ » بیتی را تضمین کرده است. در ابیات زیر، بیت دوم از این شاعر « بابا طاهر عریان، 1311: 104 » است:

از ایشان دردمندی خسته جانی کشید از پرده دل این ترانه  
بهار آمد به صحرا و درودشت جوانی هم بهاری بود و بگذشت. ( فیروز کوهی، 38/3) (Firuz kouhy:3/38)

اقتباس صورت و معنا از سروده های فیروز کوهی در قران و حدیث: وی از حیث قصاید، غزلیات و قطعه های خود متأثر از بعضی آن به قران کریم و حدیث کرده است، اقتباس عمیق از قران هم دارد و مضامین تاریخی از حدیث مقدس و گاهی تلمیح نیز در اشعار خود هم دارد، میان شاعران تأثیر او از اقتباس صورت و معنا صائب، خاقانی، نظامی، سعدی و مولوی و علاقه بیشتری داشته است و به نواحی دیگر شهری و نیز داشت.

امیری درین قطعه شعری تضمین آیات قرآن کریم توی شعرش آورده بود و از ضمن آنها از سوره المؤمنون عمر انسان وقت گذاشتن امور زشت و بعد ندم آن ومی طلبید به دنیا می گردد و آرزومندش اعمال صالح می کنند چون اوقات به اعمال زشت گذاشتند و بالاخر عمل حسن وقت جوان میخواهد. یکی از تضمین وتلمیح و اشارتی محکم در ابیات شعروی دارد.

(حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ \* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ) (قران، سوره المؤمنون: ایه 99 – 100)

وصف گذران در خورشیرینی عمر است      عمری که به تلخی گذرد ناگذران است  
آن مرد که رجعت طلبید با عمل زشت      پیری است که در آرزوی طبع جوان است  
باریکتر از مو خیال است امیرا      آن کس که چون در سخن نهان است  
(فیروز، 1389: 126/1) (Firuz kouhy: 1389,1/126)

امیری درین دو بیت شعری اقتباس از آیات قران سوره احزاب و تضمین آن در شعرش کرد و بیان قدرت وتحمل انسان آوردن امانت وقتی کوهای بزرگ طاقت ندارد آوردن آنها، انسان را آن امانت آورده اند و طبع آدمی ها را که چون فقرو عدم قدرت به غنا وتوانگری رسید و این یکی از نشانه های ظلم وجهول بودن اومی داند.

(إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا) (قران، سوره احزاب: ایه 72).

امیریار به قدرت رسیده را زنهار      چنان که بود از این پیش همچنان مشناس  
چه باید کرد کز روی طبع و صنع خدا      چنین ظلوم جهولی بر این نهاد اساس  
(فیروز، 1389: 334/2) (Firuz kouhy: 1389,2/334)

تسلط و قدرت امیری از تضمین آیات قران چون درین قطعه شعری از دو سوره قرآن یکی سوره تین و یکی دیگر سوره نحل تضمین وتلمیح و ذکر کرده است که ذکر ایجاد کردن انسان که بهترین صورت آورد و بی شکر و جلال بخداوند متعال نکردند به آخرین درک جهنم پایین می آورد و موقع دیگر ذکر که انسان در دنیا زندگی میکنند و به نهایت عمرش میرسند بدون علم و درایت و شکر نمی کرده اند.

(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (4) ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (5) (قران، سوره تین: آیه 5.4)  
( وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ: وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا: إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾ (قران، سوره نحل: آیه 70).

تورا از احسن تقویم زاد این همه عیب  
 به اسفلین درک از خلق احسن افتی باز  
 که زاده پدر جبر و مادر قدری  
 چنین که در به در کوی و در به هر گذری  
 اگر چنان نشوی تا دگر ندانی هیچ  
 به ارذل العمر از روی علم پی نبری  
 بقای رو به فنا را چنان که قران گفت  
 اگر بخوانی نقص کمال، دیده‌وری  
 (فیروز، 1389، 2/395) (Firuz kouhy:1389,2/389)

امیری جز قرآن کریم تضمین و اشارت هم دارد، درین قطعه شعری تضمین از حدیث پیامبر اکرم (ص) که خوابیدن مثل برادر چون انسان و خوابیدن باهمراه باشند ولی وقت به جنه می‌رود بدون خواب و بدون مرگ زندگی میکنند.  
 اشاره به حدیث پیامبر اکرم (ص): (النوم اخو الموت ولا تموت اهل الجنة) (السیوطی، 1414 هـ، 2/188). (AL-suyuti:1414,2/188)

که نقش صافی صور علمی از فلک  
 گاهی شده برابر با خواب زندگی  
 گه بیک صادق خبر علوی از خدای  
 گاهی شده برادر با مرگ جان گزای (فیروز، 1389، 3/191) (Firuz kouhy:1389,3/191)

اشاره به حدیث پیامبر (ص): (إن الله قال: من عادى لي ولياً فقد آذنته بالحرب، وما تقرب إلي عبدي بشيء أحب إلي مما افترضت عليه، وما يزال عبدي يتقرب إلي بالنوافل حتى أحبه، فإذا أحببته كنت سمعه الذي يسمع به، وبصره الذي يبصر به، ويده التي يبطش بها، ورجله التي يمشي بها، وإن سألني لأعطينه، ولئن استعاذني لأعيذنه). (السیوطی، 1414 هـ: 70). (AL-suyuti:1414,70)

هر سر مویت از اطاعت او  
 پا و دست و زیانت از اعضا  
 وقف او گردد و ارادت او  
 پا و دست و زیانت از اعضا  
 شوی آن گونه گرم رزاقی  
 که خدا خوانیش به رزاقی  
 مصطفی (ص) گفت کز تقرب حق  
 فعل تو می شود ز حق مشتق (فیروز، 1389، 3/191) (Firuz kouhy:1389,3/191)

در اینجا می بینیم که اقتباس امیری از معانی و مضامین قرآن مجید، احادیث شریف و شعر شاعران پیشین، به ویژگی‌های قصیده و قطعه، گاه در حد آیات و روایاتی که شاعران گذشته و معاصر، مکرر به آنها اشاراتی داشته اند و گاه در تکمیل یا متمیم مضامین شعری

خود ، هنرمندانه به آیاتی و روایاتی استناد می جوید که در شعر دیگر شاعران ، کمتر سابقه دارد .

1. تشبیه: امیری یکی از شعرای معاصر به تشبیه و انواع آن نظم و اطلاع دارد و در این بحث به آن مختصری از تشبیه برکزیده قصایدش بحث و بررسی، تعریف تشبیه از لحاظ لغت ابن منظور یکی از علمای زبان شناسی می گوید ریشه واژه تشبیه آمده است « الشبه، والشبهه و تشابه و اشتبها، شبهه کل واحد منها صاحبه شبهه به مثله و التثبیه: التمثیل » (ابن منظور 503.1414). (Ibn Manzoor:1414:503)

اما معنای تشبیه از لحاظ اصطلاح علی اکبر دهخدا تشبیه را ذکر کرده « تشبیه چیزی به چیزی مانند کنند به صورت و به هیئت چیزی بر چیزی مانند کنند، به صفتی از صفتها» (دهخدا 700.1258). (Dehkhoe:1258,700)

نمونه‌های تشبیه از اشعار امیری فیروزکوهی :

در غزلیات امیری فیروزکوهی طیف زیادی از تشبیهات معقول به محسوس تشکیل می دهد . مانند در ابیات زیر:

رفتن قافله ی عمر چنان متصل است  
که دگرگوش بر آواز جرس نیست مرا  
زال دنیا پرده از رخسار زشت خود گرفت  
تا گرفت از پیش چشم پرده پندار را

در ابیات بالا ، تشبیهاتی که بیشتر به صورت اضافی اند ، کلمه ی دوم ، مشبه و اغلب معقول و کلمه اول ، مشبه به محسوس است .

ندارم چون غزال از وحشت آرام      که با گرگ فلک دارم معادا  
گزیر از بند هارونی ندارم      که مامونت شر من چو موسی .  
(فیروز 6.1389). (Firuz kouhy:1389,6)

ادات تشبیه از دو بیت شعری (چون) و مشبه در بیت اول (غزال) و در بیت دوم (موسی) و مشبه به در اول بیت شعری ( وحشت آرام ) و مشبه به در بیت دوم ( هارون) وجه شباهت در دو بیت شعری تصویر شاعر برای ظلم و شرو حشت میان غزال و گرگ در فلک و میان هارون و موسی و شر و ظلم فرعون و نجات آنها از شر حاکم است، تشبیه مطلق بشمار می رود «یعنی

تشبيه چیزی به چیزی دیگر بوسیله ادات تشبیه وبدون شرط، عکس، فضیل وغیره» (وطواط 1945.139) (Dhawat:1945,139).

یار چون خصمی به روی دوست در جنگ ونبرد  
 خصم چون یاری به جان خصم در صلح وصفاست (فیروز. 12)  
 (Firuz:12)

ادات تشبیه در این بیت شعری (چون) ومشبهه (یار) و(خصم) ومشبهه به (خصمی ویاری) و وجه شباهت میان دوتا تشبیه دوست داشتن وخصومت ومیان آن جنگ وصلح وصفاست ونوع این تشبیه معکوس بشمار می رود.«تشبیه دو چیز مختلف باهمدیگر» (وطواط 1945.145). (Dhawat:145).

2. جناس از لفظی در علم بدیع، تجنیس در لغت به معنای همجنس آوردن و با چیزی مانند شدن است و در صلاح همانندی دو کلمه در لفظ با اختلاف آنها در معناست، مانند شیرکه هم به شیر آشامیدنی وهم به جانور درنده گفته می شود، اطلاع شاعر به انواع جناس و اظهار آنها به شعر او بکار برده است وچند نمونه از اشعار فیروزکوهی:  
 جنس تام «الفاظ متجانس در گفتن و نوشتن یعنی حروف وحرکات یکی فقط در معنی مختلف باشند» (زمانیان 31.1371)(Zamanyan:1371,31)

از ملک جیش جیش خرد رفته به هر سوی وز خاک ویش آب بقا در فیضان است .  
 (138 فیروز 25.9)(Firuz:259)

دو کلمه (جیش . جیش) از حیث شمار حروف وساختمان کلمه یک شکل دارد ولیکن از لحاظ معنی مختلف است، اول کلمه در بیت شعری معنای لشکریا سپاه ملک سلطان واما دومین کلمه معنای مختلف آورد، تعبیر محکم ودارای بعلوم صرف وبلاغت داشت.

وز حنین کفر وآوای حنین مرد و وزن بس نماند الا انین عجز وتمکین قدا .  
 (فیروز 213.1389) (Firuz:213)

کلمات بیت شعری دلالت روشن از تمکن شاعر فنون بلاغت وتعبیر چون کلمه ی (حنین) از اول کلام وی عبارت وتعبیر از مبارزه میان مسلمین وکفار روزهای قدیم است، اما کلمه دوم (حنین) تعبیر از مشاعر وروابط عشق میان مرد وزن وتمکین روح فدا میان آنها باشد، شاعر در این بیت شعری حرفه ای بلاغت دارد.

خطی وربطی از سر دانش که نزد عقل آن راست حرف طیب و این راست عرف طیب (فیروز 226.1389)(Firuz:226)

(طیب . طیب) دوتا کلمه یک شکل و آوا دارد اما از حیث معنی ودلالت میان آن فرق دارد، کلمه اول معنی زیبای حرف وکلام از حیث مضمون وقت حرف را راست باشد چون کلمات صدق وراست باید ب(طیب) مینامید. اما کلمه (طیب) دوم از حیث معنای ودلالت بیت شعری فرق دارد. شاعر این کلمه آورد تعبیر از چیزهای قشنگ و شیرینی آن نامیده است، تعبیر واسع وخیال روشن بزرگ از طرف کلمات پراز معنا و قیمت تعبیر داشت.

جناس مضارع «دو کلمه شبیه به هم یا متجانس، تنها در یک حرف قریب المخرج اختلاف داشته باشد وباقی حروف مانند هم باشد، این حرف قریب المخرج ممکن است در اول یا وسط یا آخر کلمه ها باشد» (نوروزی 56.1378)(Nowruz:1378,56)

دانشور نقادش افزون زقرین است صنعتگر استادش بیرون زقران است (فیروز 28.1389)(Firuz:28)

دو کلمه (قرین . قران) از معنای ودلالت مختلف است، جناس مضارع تعریف بالا نوشتیم معنای مختلف وحروف مطابق جزیک حرف از حرفهای کلمه باشد، یعنی کلمه قرین معنای دوستی یا رفیق با کسی همراه باشد. اما معنای کلمه (قران) قران کریم واینجا بعنوان قسم آورد ودلالت معنی مختلف است.

آورده صنعتش همه را ذخر گرانقدر پرورده علمش همه جا فخر زمان است (فیروز 27.1389)(Firuz:27)

کلمات (ذخر. فخر) از حیث دلالت ومعنی وساختمان واژه مختلف است فقط به چند حرف مطابق باشد، کلمه ذخر معنای افتخار از عملش از حیث صنعتش وقدرت او وکلمه دیگر از فخر معنای اعتزاز او از علم وافتخار در زمان همه جا رفت وآمد، دلالت شاعر وقدرت او از آوردن کلمات زیبا پراز معنای قشنگ ودلالات روشن وصنعت تعبیر دارد.

#### نتیجه گیری

همان طور که میدانید در حال حاضر فرایندهای زبانی بسیاری در زبان پارسی شناسایی شده است مثل: ترکیب، اشتقاق، ترکیب و اشتقاق، پسوندها، پیشوندها و میانوندها که ابزارهای مهم ساخت واژه در هر زبانی می باشند.

می بینیم که بیشتر تکواژهای تصریفی و اشتقاقی برای واژه‌های مشتق و مرکب و مرکب / مشتق در اشعار فیروزکوهی از نظر صرفی و نحوی ، رفتارهای خاص در نظام زبان دارند و واژه‌هایی که دارای رفتارهای صرفی و نحوی و نیز مشخصه‌های معنایی مشابه باشند ، در گروه‌های جداگانه قرار می‌گیرند. هر کدام از این گروه‌ها با عنوان خاصی مانند (اسم ، صفت ، فعل و غیره) مشخص می‌شود . مثلاً « اسم » به گروهی از واژه‌ها اطلاق می‌شود که می‌تواند با تکواژ جمع تصریف شود ، و یا به عبارت دیگر جمع بسته شود و از نظر نحوی نقش فاعل ، مفعول و غیره ایفا کند . این مسئله دربارهٔ بقیهٔ گروه‌های واژه‌های نیز صادق است . به عبارت دیگر ، « تصریف یعنی آماده سازی واژه‌ها یا تکواژهای واژگانی برای حضور در ساخت‌های نحوی ، یعنی گروه و جمله متداول ترین روشی که در زبان‌های مختلف برای این منظور به کار می‌رود استفاده از وندهای تصریفی است که در طی عملکرد قواعد تصریف به « ستاک » افزوده می‌شود . این قواعد قادر به ایجاد تغییر در ساخت معنایی و ویژگی‌های نحوی تکواژهای واژگانی نیست ، بلکه صرفاً به آن‌ها عینیت می‌بخشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن منظور الافریقی : ( 1988 م ) ، لسان العرب ، دار احیاء التراث العربی .
- امیری فیروزکوهی : ( 1389 ش ) ، جلد اول ، چاپ زوار ، تهران .
- باطنی ، محمد رضا ، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی ، موسسه انتشارات کبیر ، تهران 1392 .
- بهار ، محمد تقی : ( 1368 ) ، دیوان ، ویرایش پنجم ، توس ، تهران .
- \_\_\_\_\_ ( 1381 ) . ( سبک شناسی یا تطور نثر فارسی ) . جلد اول ، انتشارات زوار ، تهران .
- تقوی ، علی : ( 1399 ش ) ، جلوه های پایداری در سرودهای امیری فیروزکوهی ، مجله ادبیات پایداری ، س 12 . ش 63 ص 188-193 .
- دهخدا ، علی اکبر : ( 1377 هـ . ق ) ، لغت نامه انتشارات دانشگاه ، چ دوم ، ، تهران .
- زمانیان . صدرالدین : ( 1371 هـ . ش ) ، ادبیات فارسی ، سازمان علوی ، تهران .
- سلندری ، مراد علی و دیگران ( ۱۳۹۴ ) . ( تکرار به مثابه دوگان سازی صرفی : شواهدی از زبان فارسی ) ، ماهنامه جستارهایی زبانی ، آماده انتشار آنلاین .
- السیوطی جلال الدین : ( 1414 هـ - 1994 م ) ، تفسیر الجلالین ط 8 ، بیروت .
- صادقی سوره ، ساناز ( ۱۳۸۹ ) . ( ساخت واژه در دیوان حافظ ) پایان نامه ی دکتری ، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز ، دانشکده زبان و ادبیات فارسی .
- شقاقی ، ویدا ( 1381 ) . ( مبانی صرف ) ، چاپ اول ، انتشارات سمت ، تهران .
- غلامرضایی ، محمد ( 1387 ) . ( سبکشناسی شعر پارسی ) ، چاپ چهارم ، انتشارات جامی ، تهران .

- . فرشيدورد ، خسرو ، (1392). ((دستور مفصل امروز))، انتشارات مركز، تهران.
- كلباسي، ايران (1371). ((ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز))، پژوهشگاه علوم، تهران.
- ميرصادقي، جمال (1367). ((عناصر داستان شفا))، چاپ دوم ، تهران.
- جلال الدين السيوطي، الاتقان في علوم القرآن
- وطواط، رشيد الدين ، محمد بن محمد (1362 ) ، حدائق السحر في دقايق الشعر ، به تصحيح مرحوم عباس اقبال آشتياني ، كتابخانه طهوري و كتابخانه سنایي ، تهران .

## Sources and References

## The Holy Qur'an

- Ibn Manzur al-Ifriqi (1988), \*Lisan al-Arab\*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi
- Amiri Firuzkuhi (2010), \*Volume I\*, Zowar Publishing, Tehran.
- Bateni, Mohammad Reza (2013), \*Description of the Grammatical Structure of the Persian Language\*, Kabir Publishing Institute, Tehran.
- Bahar, Mohammad Taqi (1989), \*Divan\*, 5th Edition, Toos Publishing, Tehran.
- (2002), \*Stylistics or the Evolution of Persian Prose\*, Volume I, Zowar Publishing, Tehran.
- Taqavi, Ali (2020), \*Manifestations of Resistance in the Poems of Amiri Firuzkuhi\*, Journal of Resistance Literature, Vol. 12, No. 63, pp. 188–193.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1958 AH), \*Loghatnameh\*, University Publications, 2nd Edition, Tehran.
- Zamanian, Sadr al-Din (1992), \*Persian Literature\*, Alavi Organization, Tehran.
- Salandari, Morad Ali et al. (2015), "Reduplication as Morphological Duplication: Evidence from Persian," Linguistic Inquiry Monthly, forthcoming online.
- Al-Suyuti, Jalal al-Din (1994), \*Tafsir al-Jalalayn\*, 8th Edition, Beirut.
- Sadeqi Sooreh, Sanaz (2010), \*Morphology in Hafez's Divan\*, PhD Dissertation, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Persian Language and Literature.
- Shaqaqi, Vida (2002), \*Fundamentals of Morphology\*, 1st Edition, SAMT Publishing, Tehran.
- Gholamrezaei, Mohammad (2008), \*Persian Poetry Stylistics\*, 4th Edition, Jami Publishing, Tehran.
- Farshidvard, Khosro (2013), \*Comprehensive Contemporary Grammar\*, Markaz Publishing, Tehran.
- Kalbasi, Iran (1992), \*Derivational Morphology in Contemporary Persian\*, Institute for Humanities Research, Tehran.
- Mirsadeqi, Jamal (1988), \*Elements of Storytelling\*, 2nd Edition, Tehran.

Jalal al-Din al-Suyuti, \*Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an\*.

-Watwat, Rashid al-Din Muhammad ibn Muhammad (1983), \*Gardens of Magic in the Subtleties of Poetry\*, edited by the late Abbas Iqbal Ashtiani, Tahuri Library & Sana'i Library, Tehran.

## Firozkohi's Poetry in Light of the Morphological and Semantic Levels: A Stylistic Study

### Summary:

This study seeks to identify and clarify the stylistic orientation of Firozkohi's poetry within the framework of literary stylistics, focusing on derivational structures that impart an innovative, creative character. Style here denotes the pathway by which thoughts are conveyed through apt combinations of vocabulary and expressions, producing a literary work with a distinctive vision. The Iranian poet Firozkohi—an early pioneer in this regard—skillfully showcased his poetic ability in ways that have rendered his verse enduringly memorable. Accordingly, the researchers analyzed the inflectional, derivational, and compound forms that appear in Firozkohi's poems. They also examined key domains of rhetoric and semantics—simile, metaphor, quotation, and metonymy—offering close readings of selected lines. The study was carried out using a descriptive–analytical method to investigate these morphological forms and their semantic functions, elucidating the intended meanings where required.

شعر فيروز كوهي في ضوء المستويين الصريفي والدلالي؛ دراسة اسلوبية

أ.د. نهلة داود سلمان

م.م. جاسم مجيد مرشيد

كلية اللغات - جامعة بغداد

كلية اللغات - جامعة بغداد



[Nahla.Salman@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:Nahla.Salman@colang.uobaghdad.edu.iq)



[jaism.m@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:jaism.m@colang.uobaghdad.edu.iq)

الكلمات المفتاحية: الاسلوبية . الصرفية . البيان

الملخص:

في هذا البحث حاولنا تشخيص وإيضاح الأسلوب الذي ينتمي إليه اشعار (فيروز كوهي) ضمن إطار علم الأساليب الأدبية وعلى أساس تراكيب اشتقاقية يمكن القول إن لها طابعاً تجديدياً إبداعياً.

المراد من الأسلوب هو المسلك أو النهج الذي يستعان به لنقل ما في الذهن والفكر من تراكيب وكلمات ومفردات ملائمة للتعبير بها على شكل عمل أدبي ذي رؤية مميزة. الشاعر الايراني فيروزكوهي الذي كان سباقاً في هذا المجال فقد تمكن من تصوير قدرته الشعرية بصورة جميلة بحيث جعل اشعاره خالده في الأذهان . لهذا قد سعى الباحثان ان يدرسا في هذا البحث الكلمات التصريفية والمشتقة والمركبة الموجودة في اشعار امير كوهي . فضلا عن ذلك فقط درسا بعض المجالات الخاصة في علم البيان والمعاني الدلالية ك(التشبيه، والاستعارة والاقتباس والكناية) التي تناولا فيها شرح وتحليل بعض من ابیات فيروزكوهي .

أنجزت هذا البحث بمنهجية تحليلية وصفية للكلمات المورفولوجية ومعانيها الدلالية الموجودة في الابيات الشعرية التي دُرست وبيان معانيها المطلوبة حسب ما يتطلبه البحث من دراسة تحليلية .